

اهمیت سیاسی موقعیت جغرافیائی ایران

بقلم خانم دکتر دره میرحیدر

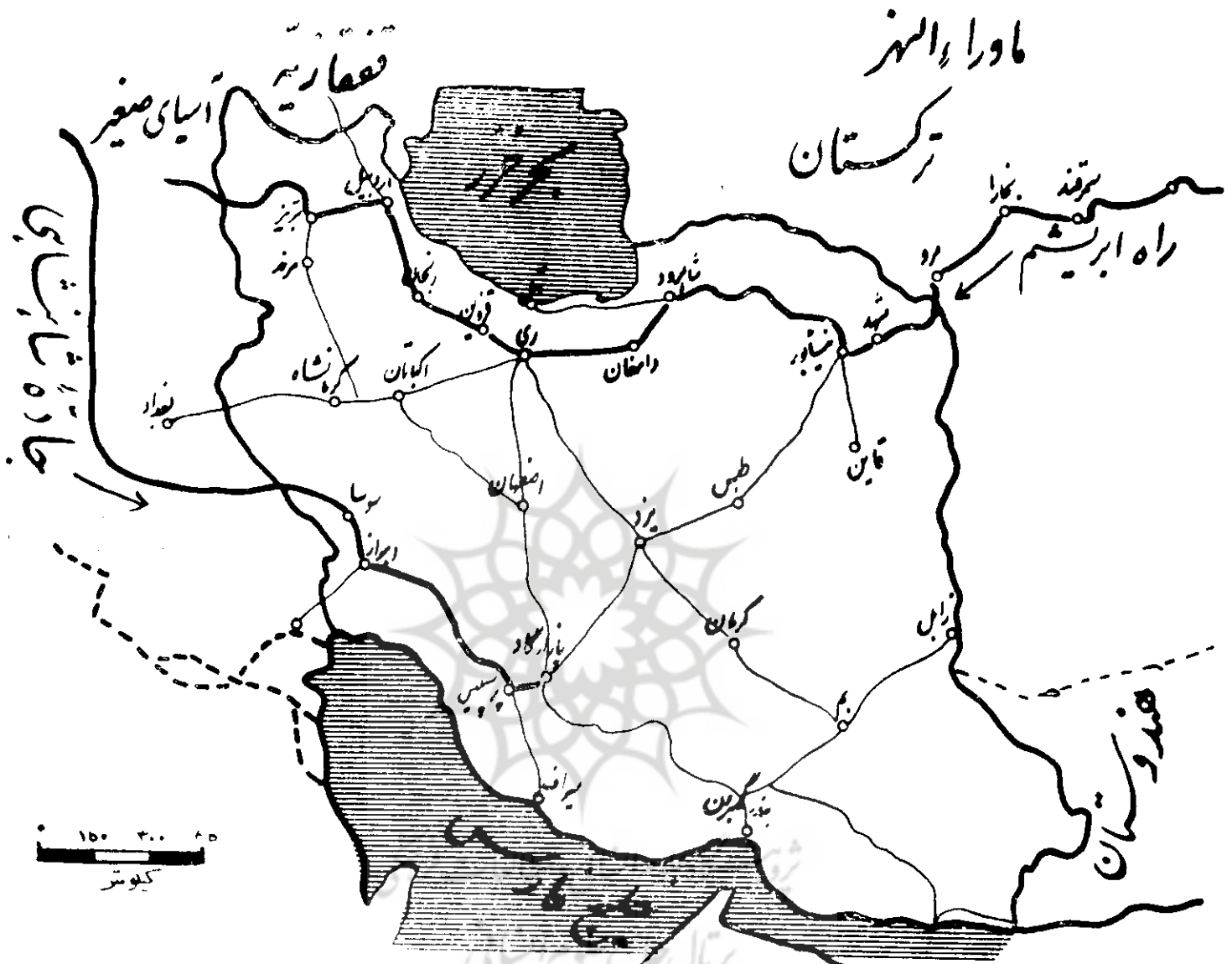
استادیار جغرافیای دانشکده ادبیات

موقعیت جغرافیائی ایران در جنوب غربی آسیا که از یکطرف واسطه ارتباطی بین دول شرق و غرب و از طرف دیگر حد فاصل بین دولت روسیه شوروی و آبهای گرم خلیج فارس بوده است نقش بسیار مهمی در تاریخ سیاسی و اقتصادی و فرهنگی این کشور بعهدہ داشته است.

اگر صفحات تاریخ دوهزار و پانصد ساله ایران را ورق بزیم بزودی متوجه خواهیم شد که سرچشمه بسیاری از گرفتاریها - جنگها و حتی تحمیلات سیاسی وارده باین مملکت مربوط به موقعیت جغرافیائی ایران بوده که در بسیاری از مواقع بعلت اهمیت سوق الجیشی آن مورد تجاوزات بمالک همسایه واقع میگرددیده است. البته این نکته را نباید از نظر دور داشت که سرعت راه یابی تمدن جدید در زندگی مردم ایران و توسعه و پیشرفت امور تجاری هم معلول موقعیت جغرافیائی این مملکت بوده است.

از زمانهای بسیار قدیم کاروانهای تجارتی که از خاور دور میآمدند برای عرضه محصولات و کالای خود به بازارهای اروپائی ناچار بودند از خاک ایران عبور کنند. وجود راه کاروانی بین المملی معروفی مثل راه ابریشم در خاک ایران فوائد و محسنات تجارتی متعددی برای این مملکت همراه داشت (نقشه ۱) بدینمعنی که پس از مدتی مواد خام و صنایع نظر ان هم همراه کالاهای دول شرق به بازارهای

اروپا معرفی شده و بتدریج برای خود جای مسلمی یافتند. دیگر اینکه وجود راههای کاروانی بین‌المللی باعث تأسیس و برقراری کاروانسراها و توقفگاههایی در امتداد



راههای کاروان رود ایران باستان

(نقشه ۱)

راهها شد که بعدها بصورت شهرهای بزرگ و معتبر امروزی ایران درآمدند (نقشه ۱) و بالاخره وجود این راههای ارتباطی نه تنها باعث معرفی ایران بدول غرب گردید بلکه فرصتی بدست حادثه جویان و مستشرقین اروپائی که مشتاق شناسائی و کشف مشرق زمین بودند داد تا با استفاده از آنها بتوانند اطلاعات تازه راجع به ممالک مشرق بدست بیاورند.

تاریخ قرون وسطی برعکس تاریخ دوره قدیم شاهد گرفتاریها و بدبختی های بزرگی برای دولت ایران بوده است که اکثر آنها را میتوان منسوب به موقعیت جغرافیائی این مملکت دانست. خاک ایران از شرق و غرب مورد تاخت و تاز و هجوم اقوام بیگانه و عاری از تمدن قرار گرفت و حمله کنندگان خواه عرب - خواه ترك و یا مغول تنها بغارت و کشتار اکتفا نکرده بلکه به انهدام و تخریب تمدن درخشانی که در نتیجه سالها کوشش و بازحمت فراوانی در ایران ایجاد شده بود پرداختند. مهمتر از همه اینکه تأثیراتی که مهاجمین از لحاظ زبان و فرهنگ در قسمت های مختلفه ایران از خود بجا گذاشتند باعث شده که ملت ایران تجانس و یکپوختی خود را تا حدودی از دست داده و در عین حال که قسمت عمده آداب و سنن خود را حفظ کرده است ظاهراً بصورت مجموعه ای از عناصر مختلف نژادی و زبانی درآید.

باشروع قرن نوزدهم میلادی اهمیت سوق الجیشی و سیاسی موقعیت جغرافیائی ایران بیش از سایر جنبه های آن نمایان گردید و بهمین علت دوره شایان توجه و مطالعه دقیق تری بوده و بقیه مقاله بشرح توضیح درباره آن اختصاص خواهد یافت.

موقعیت جغرافیائی ایران در قرن نوزدهم

باشروع قرن نوزدهم در نتیجه اصطکاک منافع بین امپراطورهای انگلستان - فرانسه - و روسیه که هریک به نحوی در توسعه اراضی ویا مستعمرات ماوراء بحار خود کوشا بودند موقعیت سوق الجیشی ایران مورد توجه خاص قرار گرفت و باین سبب دولت ایران از این تاریخ به بعد وارد مرحله جدیدی از زندگی سیاسی خود گردید.

در سالهای آخر قرن هیجدهم، ناپلئون امپراطور فرانسه امیدوار بود که با حمله نظامی بمصر و بعد هم به هندوستان لطمه بزرگی بر پیکر امپراطوری انگلستان بزند. موقعیت جغرافیائی ایران نسبت به هند که در آن موقع در همسایگی یکدیگر قرار داشتند نظر ناپلئون را بخود جلب کرد. وی تصمیم گرفت که برای عقد قراردادی بجهت

کسب اجازه عبور بهند باشاه ایران وارد مذاکره شود و طی نامه‌ای نظر خود را به دولت ایران اعلام داشت. شاه ایران که آمادۀ قبول هر گونه کمک برای مقابله با روسها در سرحدات شمال غربی بود از پیشنهاد ناپائون استقبال کرده عقد چنین قراردادی را بفال نیک گرفت. در ماه مه سال ۱۸۰۷ میلادی مطابق با سال ۱۱۸۵ هجری شمسی طبق معاهده فین کن اشتاین Fin Ken Stein که بین دو دولت فرانسه و ایران منعقد گردید دولت فرانسه تعهد کرد که دولت ایران را در جنگهای با روسیه چه از نظر مالی و چه از جهت فنی یاری نماید. دولت ایران عم در مقابل متعهد شد که در موقع عبور قشون فرانسه از خاک ایران بهند مساعدت لازم را بنماید. بدنبال این مذاکرات بود که هیئت ژنرال گاردان بمنظور تعلیم قشون با ایران آمد ولی طوی نکشید که در نتیجه ملاقات دوستانه‌ای که بین امپراطوران فرانسه و روس در شهر تیلسیت Tilsit انجام شد و منجر با مضای عهدنامه مودتی بین دولتین گردید (۱۸۰۷) قرارداد بین ایران و فرانسه عملاً رسمیت و اهمیت خود را از دست داد و فرانسه نتوانست تعهد خود را مبنی بر مخالفت با دولت روس بمعرض عمل بگذارد. از این به بعد دولت ایران ناچار بازیچه سیاست زیر کانه دولتهای انگلستان و روسیه گردید.

دولت روسیه در اوایل قرن نوزدهم هنوز سیاست بطر کبیر را در مورد دستیابی به دریای آزاد دنبال میکرد. برای روسیه، کشور ایران بمنزله سدی در برابر رسیدن به بنادر آبهای گرم خلیج فارس بود و با برداشتن این سد ممکن بود دستیابی بخلیج بی مانع و رادع انجام پذیرد. جنگهای بین ایران و روس در ناحیه قفقاز که از سال ۱۸۰۰ میلادی مطابق با ۱۱۷۸ هجری شمسی شروع شده بود بعنوان اولین قدم پیشروی بطرف جنوب محسوب میشد و برای جلوگیری از انجام این هدف بود که دولت ایران بدوستی و معاضدت دولت فرانسه محتاج بود. دولت انگلستان از طرف دیگر بمنظور حفظ و نگهداری راههایی که ایران را بهند متصل میکرد و در نتیجه حفظ و حمایت از هند که از گرانبهاترین مستعمرات آن کشور محسوب میشد مشتاق بود با عقد قراردادی با دولت ایران نظر شاه را بخود جلب نماید. این کوشش البته تا موقعی که معاهده

فین دن اشتاین جنبه رسمی داشت بجائی نرسید ولی بزودی که تیرگی روابط بین ایران و فرانسه علنی گردید انگلیسها از موقعیت استفاده کرده پیشنهاد خود را مبنی بر عقد قراردادی بین دولتین عرضه داشتند. شاه ایران فتحعلی شاه قاجار که از دوستی باناپلئون مأیوس شده بود ناچار به پیشنهاد انگلیسها تن درداد. برطبق موادمعااهده جونز که در سال ۱۸۰۹ میلادی مطابق با ۱۱۸۷ هجری شمسی باامضاء رسید^(۱) انگلیسها متعهد شدند که با دادن اسلحه و مهمات و اعطاء اعتباراتی بطور سالیانه واعزام معلمین بمنظور تعلیم نیروی نظامی دولت ایران را در جنگ بر ضد روسها یاری نمایند. در مقابل دولت ایران تعهد کرد که از عبور هرگونه قشون خارجی از خاک ایران بپند جلوگیری کند. اما امضای این قرارداد هم هیچگونه تسهیلاتی برای حل مشکلات ایران در برابر روس بوجود نیاورد وقشون روسیه همچنان به پیشروی خود در سرحدات شمال غربی ایران ادامه میداد تا بالاخره معاهده گلستان که در سال ۱۸۱۳ میلادی مطابق با ۱۱۹۱ هجری شمسی بین دولتین روس و ایران منعقد گردید بجنگهای ایران و روس موقتاً خاتمه داد^(۲).

برطبق این معاهده تمام ایالت جورجیا وقسمت اعظم ارمنستان بروسیه داده شد. گرچه هدف روسها پیشروی تارود ارس بود ولی حمله ناپلئون بروسیه در سال ۱۸۱۲ میلادی مطابق با ۱۱۹۰ هجری شمسی و احتیاج بتمرکز قوا درجهت غربی مانع از اجرای این نقشه شده ودولت روسیه را مجبور به اعلان آتش بس در این جهت نمود. بهمین علت پس از یک دوره فطرت کوتاه جنگهای بین ایران و روس تجدید گردید و این بار روسها بهدف اصلی خود نائل آمده و تمام قفقازیه را از خاک ایران جدا کردند. سرحد بین ایران و روسیه برطبق معاهده ترکمن چای که در سال ۱۸۲۸ میلادی مطابق با ۱۲۰۶ هجری شمسی امضاء گردید در امتداد رود ارس

۱ - تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم میلادی تألیف محمود محمود - طهران چاپ خود کار - سال ۱۹۴۵ - جلد اول.

Demetrius C. Boulger, *England and Russia in Central Asia*, -۲

Vol. II, London: W.H. Allen and Co., 1879, Appendix B.

تعیین شد و بدین ترتیب مقدار زیادی از خاک ایران برای همیشه بدولت روسیه تعلق گرفت.

معاهده ترکمن چای نه تنها از نظر ارضی بلکه از نظر تجارتنی هم حاوی چندین تبصره بنفع روسها بود و این خود بازدیاد نفوذ آنها در ایران کمک فراوانی مینمود. دولت انگلستان که موقعیت خود را در خطر میدید از توسعه نفوذ روسها در ایران نگران شده و برای حفظ راههایی که بهند منتهی میشد بتکاپو افتاد و بهمین سبب در سال ۱۸۵۶ میلادی مطابق با ۱۲۳۴ هجری شمسی موقعیکه دولت ایران در اثر فشار روسها بافغانستان قشون کشی کرد تا هرات را تسخیر نماید انگلستان از بیم اینکه سیادا این حمله منجر به تجاوز دولت روسیه به هندوستان گردد رسماً بدولت ایران اعلام جنگ داد و با پیاده کردن قشون خود در ساحل خلیج فارس باشغال جزیره خارک همت گماشت. این جریانات شاه را نگران ساخته و مجبور کرد که با اعلان آتش بس برای مذاکرات صلح آماده شود. طبق معاهده پاریس که در سال ۱۸۵۷ م مطابق با ۱۲۳۵ هجری شمسی منعقد گردید ایران دست از محاصره هرات کشیده و استقلال دولت افغانستان را بر رسمیت شناخت. بدینوسیله انگلیسها از دخالت روسها در خاک افغانستان که منطقه حد فاصل بین روسیه و هندوستان بود جلوگیری کردند. در سالهای نیمه دوم قرن نوزدهم دولتین روسیه و انگلیس با اخذ امتیازات مختلفه ازدولت ایران بیک نوع رقابت اقتصادی پرداختند. کوشش در گرفتن حقوق و امتیازات بقدری شدید بود که تا اواخر قرن نوزدهم اکثر منابع اقتصادی مملکت و معادن توسط سرمایه گذاران خارجی اداره و یا استخراج میشد. بین امتیازات مختلفی که دولت انگلیس بدست آورد امتیاز نصب یک خط تلگرافی بین هند و انگلیس که از ایران میگذشت بیش از سایرین برای ایران اهمیت داشت زیرا با وضع اقتصادی نامناسب مملکت در آن زمان انجام چنین پروژه ای توسط خود دولت امکان عملی نداشت. بدست آوردن چنین امتیازی را فقط باید مدیون موقعیت جغرافیائی ایران دانسته و بس والا با احتمال قوی علاقه ای در مرقی ساختن ایران در بین نبوده است. اولین قرار-

داد مربوط به نصب خط تلگرافی فوق‌الذکر در فوریه سال ۱۶۸۳ م (۱۲۴۱ هجری شمسی) بین دولتهای ایران و انگلیس بسته شد و طبق مواد آن مقرر شد که کارهای نصب و ساختمان این خط توسط ایرانیها تحت سرپرستی ورهبری انگلیسها انجام شود و حق اداره و مالکیت آن بایران داده شود در عوض بانگلیسها طی این قرارداد اجازه داده شد که پیغام‌های خود را بایک تعرفه گمرکی معین بپردازند. توجه بدرآمد قابل توجه حاصله از این خط تلگراف بود که نظر شاه ایران را نسبت به نصب آن معطوف کرد. این خط تلگرافی از سرحد ترکیه شروع و از راه کرمانشاه و همدان به تهران میرسید و پس از آن به بندر بوشهر کشیده شده و از آنجا بایک کابل دریائی به بندر کراچی متصل میگردد (۱)

در مقابل امتیازاتی که دولت انگلیس از دولت ایران گرفته بود دولت روسیه سعی میکرد با دادن قرض بشاه ایران نفوذ خود را توسعه داده و بدخالت در امور مالی مملکت بپردازد. در سال ۱۸۷۸ میلادی مطابق با ۱۲۵۶ هجری شمسی دولت روسیه بتعلیم و تربیت قشونی بنام قزاق که تا مدتها بعد تنها قشون رسمی ایران را تشکیل میداد پرداخت. بعلاوه موفق باخذ یک تعرفه گمرکی مخصوص شد که با آن میتوانست کالاهای خود را باقیمت نازلتری به ولایات شمالی ایران وارد نماید.

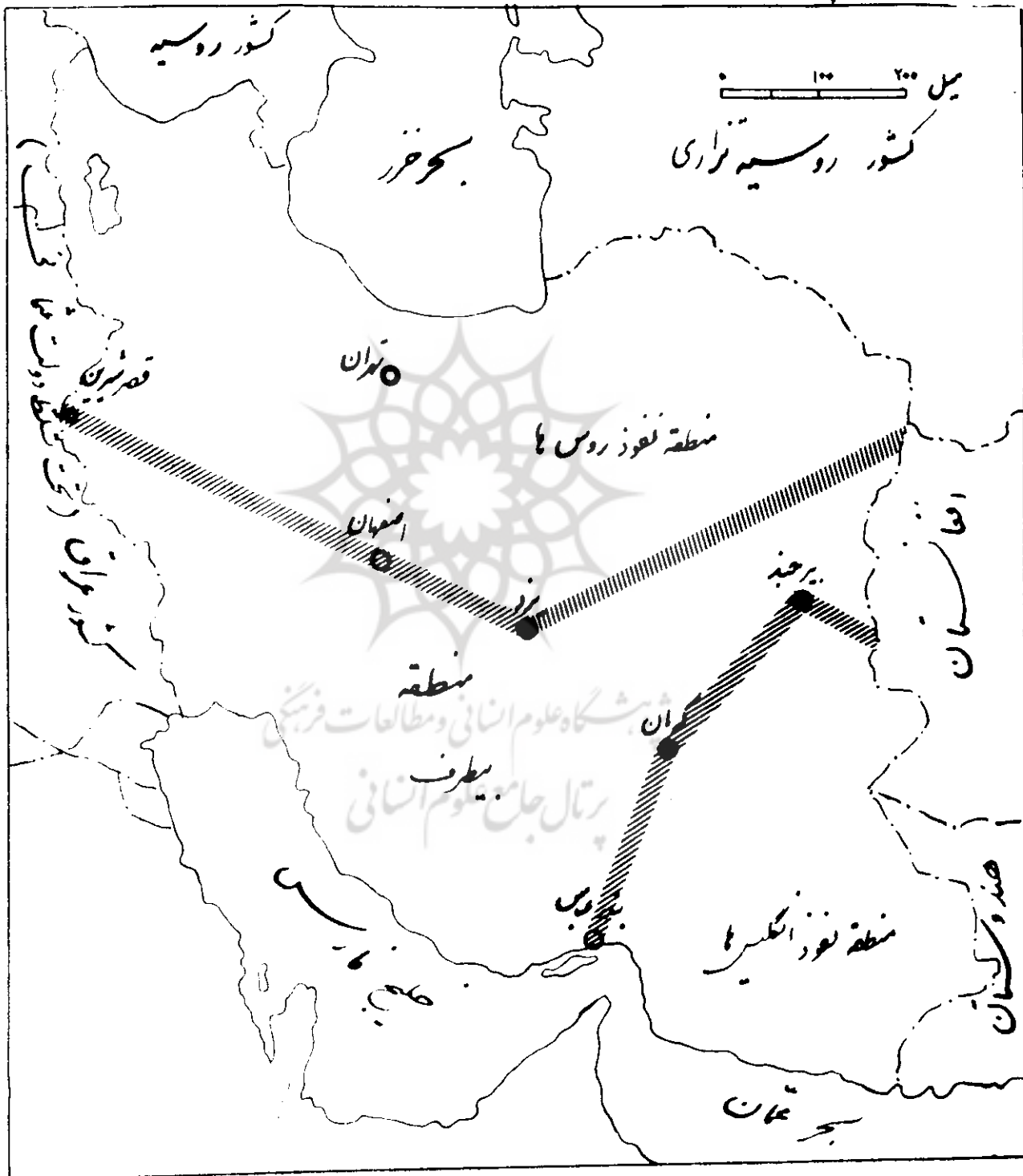
ایران در قرن بیستم

در سالهای اول قرن بیستم سیاست خارجی ایران هنوز بر اساس برقراری تعادل بین نفوذ انگلیس و روس در زمینه‌های سیاسی و اقتصادی استوار بود. در سال ۱۹۰۱ م مطابق با ۱۲۷۹ هجری شمسی دولت ایران امتیاز استخراج و تصفیه نفت جنوب را بیک تن استرالیائی که متبوع دولت انگلیس بود بنام ویلیام ناکس داری W.K. Darcy داد. این امتیاز تعادلی بین نفوذ انگلیس و روس و ایران برقرار کرد و از این بعد

۱ - George N. Curson, *Persia and the Persian Question*, London : Longmans, Green and Co., 1892, Vol. 1 and 11, pp. 607 - 610.

دولتین مزبور امور داخلی و سیاست خارجی ایران را به میل و دلخواه خود میگردانند. مثلاً در هنگام نهضت مشروطیت در ایران انگلیسها طرفدار نهضت آزادیخواهی و

تقسیم ایران بنطاق نفوذ طبق مواد معاهده ۱۹۰۷ میلادی



(نقشه ۲)

روسها طرفدار حفظ رژیم استبدادی (Status quo) بودند. در سال ۱۹۰۵ میلادی مطابق با ۱۲۸۳ هجری شمسی مشروطه خواهان با کمک انگلیسها مظفرالدین شاه قاجار را وادار کردند که فرمان قانون مشروطه را امضاء نماید و باین ترتیب حکومت مشروطه دموکراتیک در ایران جایگزین حکومت استبدادی پیشین گردید^(۱).

در سالهای بین ۱۹۰۵ و ۱۹۰۷ (۱۲۸۳ و ۱۲۸۵ هجری شمسی) زمانیکه ایران دست بگریبان گرفتاریها و انقلابات داخلی خود بود^(۲) - بعلمت ظهور دولت نیرومندی مثل آلمان ناگهان تغییر مهمی در سیاست دولتهای انگلیس و روسیه ظاهر گردید بدین معنی که با ظهور دشمن مشترکی که بطور سریع در حال توسعه اراضی خود بود دولتین مزبور رقابتها و دشمنی های سابق خود را کنار گذاشته و ب عقد قرارداد دوستی علیه دشمن مشترک مبادرت ورزیدند^(۳). اما این تغییر سیاست هرچه بود سخت بضرر ایران تمام شد باین ترتیب که در طی کنفرانس معروف به Anglo-Russian Convention که در سال ۱۹۰۷ میلادی (۱۲۸۵ هجری شمسی) تشکیل شد،^(۴) دولتین روس و انگلیس ضمن تضمین حفظ تمامیت ارضی و استقلال سیاسی ایران کشور را بدو منطقه نفوذ و یک منطقه بیطرف تقسیم کردند و باین ترتیب مقرر شد منطقه نفوذ روسها در شمال خطی باشد که از قصر شیرین شروع و پس از گذشتن از اصفهان و یزد بنقطه تلاقی سرحدات ایران - افغانستان و روسیه منتهی گردد در حالیکه منطقه نفوذ انگلیسها در جنوب خطی قرار داشت که از سرحد افغانستان شروع و پس از گذشتن از گریک - بیرجند و کرمان به بندر عباس ختم میگردد (نقشه ۲).

۱- E. G. Browne, « The Persian Constitutional Movement »,

Proceedings of the British Academy, VIII (1917 - 18), pp. 311 - 330;

J. M. Balfour, *Recent Happenings in Persia*, Edinburgh and London :

W. Blackwood and Sons, 1922, pp. 75 - 108.

۲- Oscar A. Marti, *The Anglo - German Commercial and Colonial Rivalry as a Cause of the Great War*, Boston: The Stratford Co., 1917, pp. 10 - 50.

۳- Rogers P. Churchill, *The Anglo - Russian Convention of 1907*, Gedar Rapids : The Torch Press, 1939, pp. 212-263 .

دولت انگلیس متعهد شد که خود و ممالک تحت‌الحمایه‌اش از بدست آوردن هر گونه امتیاز تجاری و سیاسی در منطقه نفوذ روسها خود داری نماید در حالیکه دولت روسیه هم عین همین تعهدات را در مورد منطقه نفوذ انگلیسها در جنوب قبول کرد. منطقه طاهرا بیطرف واقع بین این دو منطقه نفوذ عملاً عرصه تجاوز سیاسی هردو نیرو و یا هر نیروی خارجی دیگر شد^(۱).

نکته قابل توجه این معاهده این بود که دولتین روس و انگلیس در امضاء این قرارداد هیچگونه مذاکره و یا صلاحدید قبلی با دولت ایران نکرده و مقامات مسئول حکومت وقت ایران حتی تا بعد از امضاء این قرارداد نیز از وجود چنین تقسیم‌بی اطلاع بودند و اعتراضات بعدی هم البته بی جواب ماند. امضاء این قرارداد بدخالت دولتین روسیه و انگلیس در امور داخلی ایران جنبه رسمی داد و بیشلاً در سال ۱۹۰۸ میلادی مطابق با ۱۲۸۶ هجری شمسی روسها علناً بیاری شاه مستبد ایران محمد علی شاه برخاسته اساس دولت نوزاد مشروطه ایران را برهم زدند.

با انحلال مجلس شورای ملی در سال ۱۹۰۸ (۱۲۸۶ هجری شمسی) آتش جنگهای داخلی در سراسر ایران برافروخته شد. ابتداء قیام از شهر تبریز تا کم‌نشین استان آذربایجان شروع شد و بعد به رشت و شهرهای دیگر رخنه پیدا کرد. دولت روسیه در این هنگام با اشغال نظامی تبریز و رشت آزادیخواهان را سرکوب میکرد. گرچه اشغال این دو شهر مانع از پیروزی سریع مشروطه‌خواهان گردید ولی در عوض حسن غرور و ملیت سایر شهرهای ایران را برانگیخت و بلافاصله ایلات بختیاری با کمک ارمنی‌ها - قفقازیها و عده‌ای مردم شهری قشون ملی را تشکیل داده و پس از کوشش فراوان بالاخره در سال ۱۹۰۹ میلادی (۱۲۸۷ هجری شمسی) موفق به تسخیر تهران و برقراری مجدد حکومت مشروطه گردیدند^(۱).

۱- Calchas, « The Anglo - Russian Agreement », *Fortnightly Review*, LXXXVIII (1907), P. 539.

۲- Hossein Nasem, *Russia and Great Britain in Iran (1900 - 1914)*, Ann Arbor : University Microfilms, 1954.

دومین دخالت رسمی و مهم روسهای تزاری در اسورداخلی ایران در سال ۱۹۱۱ میلادی (۱۲۸۹ هجری شمسی) انجام گرفت و آن هنگامی بود که دولت ایران از یکمفر کار شناسان امریکائی بنام شوستر W. M. Shuster دعوت کرده بود تا با امور مالی ایران سروصورتی بدهد. با توجه بموقعیت سیاسی ایران اولین هدف شوستر تشکیل یک قشون ملی بمنظور برقراری نظم و جمع آوری مالیات بود. برای انجام اینکار شوستر اسرتربیت و تعلیم مجدد قشون ژاندارمری را بیک نفر افسر انگلیسی که بزبان فارسی آشنائی کامل داشت واگذار کرد. البته تشکیل یک قشون قوی که بتواند خارج از نفوذ دولتین انگلیس و روس بماند کار آسانی نبود و سیاست هیچ یک از دولتین اجازه نمیدادند وجود چنین قشونی باعث تقویت حکومت مرکزی گردد. باین سبب بود که بعد از چندی سفیر روسیه در تهران تقاضای اخراج شوستر را در ظرف چهل و هشت ساعت از دولت ایران نمود. در همان موقع گری Sir E. Grey وزیر خارجه انگلستان طی سخنرانی خود در مجلس عوام آن کشور اظهار داشت که طبق مواد معاهده ۱۹۰۷ م دولت انگلستان باید از عملیات یکمفر انگلیسی در منطقه نفوذ روسها جلوگیری کند. روسها از طرف دیگر با اهمیت موضوع پی برده و دخالت شوسترا در مصادره اسلک برادر محمد علی شاه بهانه قرار داده و با اعزام یک دسته قشون قزاق بتهران با اجرای یک کودتا برضد مجلس دست زدند. فشارهای وارده از طرف دولت های روس و انگلیس باعث شد که شوستر ایران را ترك کرده بصوب آمریکا روان گردد^(۱).

موقعیت جغرافیایی ایران در جنگهای بین الملل اول

اهمیت استراتژیکی موقعیت جغرافیائی ایران در شروع جنگهای بین الملل اول از نظر دولتهای بریتانیا و روسیه پوشید نمانده بود و بهمین علت باشروع جنگ بین الملل اول در سال ۱۹۱۴ میلادی مطابق با ۱۲۹۳ هجری شمسی دولتین مزبور

۱ - William M. Shutser, *The Strangling of Persia*, New York: the Centuery Co., 1912, pp. 166 - 167.

مصمم شدند از توسعه نفوذ آلمانها بطرف قفقازیه از یکطرف و خلیج فارس از طرف دیگر جلوگیری نمایند. دولت ایران گرچه قلباً مایل بطرفداری از آلمانها بود ولی مصاحبت را در اعلام بیطرفی خود دید. سعهدا دولتهای روس و انگلیس به بیطرفی ایران توجه نکرده و از شمال و جنوب خاک این مملکت را مورد حمله قرار دادند. بدین ترتیب ایران توسط نیروهای متفقین اشغال شده و خواه ناخواه وارد جنگ گردید. ناحیه شمال غربی ایران میدان جنگ بین قشون ترك و روس بود در حالیکه انگلیسها در جنوب نقشه های جنگی خود را بمعرض عمل می گذاشتند. در سال ۱۹۱۷ میلادی (۱۲۹۵ هجری شمسی) بانقلاب بلشویکها در روسیه تغییرات نوینی در جبهه قفقازیه بوجود آمد. رژیم جدید سیاست جدیدی اتخاذ کرده دستور تخلیه قشون خود را از خاک ایران داد. چیزی نگذشت که دولت شوروی اعلام لغو مواد قرارداد سال ۱۹۰۷ میلادی را نموده و طی یادداشتی بدولت ایران در ژانویه ۱۹۱۸ م (۱۲۹۶ هجری شمسی) تمام امتیازاتی که دولت تزاری از ایران گرفته بود سسترد داشت^(۱). در ضمن حق کامل ایران را در مورد کشتیرانی در آبهای خزر ضمانت کرده قول داد قشون ایران را در جنگ با قوای ترك و انگلیس یاری دهد. با تخلیه قشون روس از ایران دولت انگلستان از فرصت استفاده کرده قوای خود را در تمام نقاط ایران چه در شمال و چه در جنوب پراکنده ساخت و زمانیکه دولت جدید التاسیس شوروی مشغول تنظیم امور داخلی خود بود دولت انگلیس خود را برای عقد یک قرارداد اقتصادی با ایران آماده میساخت.

هدف از امضای این معاهده کنترل و اداره کلیه امور مالی و اقتصادی مملکت توسط انگلیسها بود. طبق مواد این قرارداد دولت انگلیس با دادن قرض بدولت ایران حق تجدید نظر در تعرفه گمرکی - بکارگماردن عده ای کارشناسان انگلیسی در چند وزارتخانه عمده - استخدام چندین افسر انگلیسی بمنظور تنظیم امور ژاندارمری و

۱ - George Lenczowski, *Russia and the West in Iran, 1918-1948*, Ithaca :

Cornell University Press, 1948, P. 48.

تشکیل و تجهیز مجدد ارتش و بالاخره حق ساختن راه آهن را از ایران میگرفت.

با وجود مخالفت های شدید و علنی ملت ایران و سایر دول علیه برقراری نیروی مطلق سیاسی و اقتصادی انگلیس در ایران^(۱) موافقت نامه ای در اوت ۱۹۱۹ میلادی مطابق با ۱۲۹۷ هجری شمسی توسط نمایندگان دو دولت امضاء شد ولی جریان تصویب آن در مجلس شورایی مدت یکسال و نیم دولت وقت را معطل نگاهداشت و بالاخره هم در سال ۱۹۲۱م مطابق با ۱۲۹۹ هجری شمسی بعد از یک سلسله مباحثات و مشاجرات جدی مجلس از تصویب موافقت نامه ۱۹۱۹م خودداری کرده و بدین ترتیب به غائله خاتمه داده شد. بالغو قرارداد انگلیسها شروع بتخلیه قشون خود از ایران نمودند ولی هنوز ایران کاملاً از قشون انگلیس خالی نشده بود که بلشویکها در نواحی شمال ایران پدیدار گردیدند. در سال ۱۹۲۰ میلادی مطابق با ۱۲۹۸ هجری شمسی بلشویکها نماینده ای نزد میرزا کوچک خان که در حال قیام علیه حکومت مرکزی بود فرستاده و او را برای یک حکومت خود مختار بلشویکی در ایران دعوت نمودند^(۲).

میرزا کوچک خان گرچه اصولاً مخالف دخالت بیگانگان بود ولی بمنظور تقویت قوای خود این تقاضا را قبول کرده و بزودی در ماه جولای سال ۱۹۲۰ میلادی مطابق با سرداد ۱۲۹۸ هجری شمسی تشکیل جمهوری سوسیالیستی گیلان صورت رسمی بخود گرفت. اعتراضات پی در پی دولت ایران از طرف دولت شوروی بدون جواب گذاشته شد و تغییراتی در اوضاع پدیدار نگردید تا اینکه کارگردان جمهوری جدید گیلان از پیروی کور کورانه از مسکو خسته شده حس ملیت او تحریک و تصمیم گرفت با حکومت مرکزی کنار بیاید.

پیروزی قشون ایران در جنگ با قوای کوچک خان و مذاکرات موفقیت آمیز با وی باعث برچیده شدن رژیم سویت در گیلان گردید. در دنبال این جریانات بود که

۱- *The New York Times*, August 16, 1919.

۲- *George Lenowski, Op. cit.*, pp. 48 - 70.

دولت شوروی طی یادداشتی بدولت ایران اعزام لئون کاراخان Leon Karakhan معاون وزارت خارجه را بتهران بمنظور مذاکره درباره یک معاهده دوستی بین ایران و شوروی اعلام داشت. معاهده مودت بین ایران و شوروی پس از چند ماه مذاکره بالاخره در ۲۶ فوریه سال ۱۹۲۱ میلادی مطابق با چهارم اسفند سال ۱۲۹۹ هجری شمسی با امضاء رسید^(۱).

با وجود امضاء این معاهده قشون روس هنوز نواحی شمال ایران را ترك نکرده بود و وجود قسمتی از قشون انگلیس را در جنوب بهانه قرار میداد. قیام مجدد میرزا کوچک خان و حمله او بتهران با کمک بلشویکها در سال ۱۹۲۱ میلادی مطابق با ۱۲۹۹ هجری شمسی بار دیگر مسأله تازه‌ای بوجود آورد. این بار قشون قزاق ایران تحت فرماندهی کلنل رضاخان قوای میرزا را شکست سخت داده و جمهوری گیلان به حکومت مرکزی ملحق گردید. باشکست میرزا و ترك قشون انگلیس از نواحی جنوب دیگر هیچ نوع بهانه‌ای برای استقرار قشون شوروی در شمال باقی نمانده بود و روسها هم اجباراً خاک ایران را در ماه سپتامبر ۱۹۲۱ میلادی مطابق باشهریور . . . هجری شمسی ترك کردند. معاهده ایران و شوروی در فوریه ۱۹۲۱ میلادی مطابق با اسفند ۱۲۹۹ هجری شمسی رابطه بین دولت را برپایه جدیدی گذاشت. طبق مواد این معاهده کلیه امتیازات و حقوقی که ایران در دوره حکومت تزاری روسیه از دست داده بود بایران مسترد شد. حق کامل کشتیرانی در دریای خزر بایران داده شد ولی مهمترین ماده این قرار داد ماده ششم بود که طبق مفاد آن دولت شوروی میتواندست قشون خود را بخاک ایران پیاده کند « هر گاه ممالک ثالثی بخواهند بوسیله دخالت مسلحانه سیاست غاصبانه را در خاک ایران مجری دارند یا خاک ایران را مرکز حملات نظامی بر ضد روسیه قرار دهند^(۲). البته در همان

۱- Helen M. Davis, *Constitutions, Electoral Laws, Treaties of States in the Near and Middle East*, Durham, N. C.: Duke University Press, 1947.

۲ - مجموعه قراردادهای ایران و اتحاد جماهیر شوروی - نشریه وزارت امور خارجه -

جزوه شماره ۲ تهران ۱۳۳۸ - صفحه ۸۶ .

نماید دولت روسیه متعهد میشود که پس از رفع خطر بی درنگ قشون خود را از حدود ایران خارج نماید.

باین ترتیب دولت شوروی میتواند روابط خارجی ایران را با ممالک دیگر باسانی تحت کنترل خود در بیاورد.

اهمیت استراتژیکی ایران در جنگهای بین الملل دوم و سالهای بعد از آن

باشروع جنگهای بین الملل دوم دولت آلمان تنها کشوری بود که رابطه بسیار نزدیک تجاری و سیاسی با دولت ایران داشت. بدین معنی که مشاوران فنی آلمانی جایگزین مشاورین آمریکائی شده و در تجارت خارجی هم آلمانها جای روسها را اشغال کرده بودند. باروشن شدن آتش جنگ دولت ایران بمنظور حفظ این حسن تفاهم دوجانبه بیطرفی خود را اعلام داشت ولی وقایع جنگ گذشته یکبار دیگر بصورت جدی تری تکرار شد و باحمله آلمانها بپاک روسیه شوروی در ماه جون سال ۱۹۴۱ مطابق باتیرماه ۱۳۱۹ هجری شمسی اهمیت سوق الجیشی موقعیت جغرافیائی ایران نظر متفقین را بخود جلب نموده و جریانات صورت جدیدی بخود گرفت. دولت بریتانیای کبیر تصمیم گرفت که بکمک روسها برخاسته و بافرستادن اسلحه و مهمات از راه ایران بسرحدات روسیه برضد آلمان وارد جنگ شود. مسلماً این اقدام تا زمانیکه آلمانها در خاک ایران باقی بودند نمیتوانست چندان موفقیت آمیز انجام پذیرد و بهمین سبب در ۱۹ جولای دولت روسیه شوروی و در ۱۶ آگست ۱۹۴۱ میلادی مطابق باسرداد ۱۳۱۹ هجری شمسی دولت انگلستان طی یادداشتهائی بدولت ایران اخراج آلمانها را از خاک ایران خواستار شدند. درهمین اوان متفقین دست به تبلیغات وسیعی علیه آلمانها در ایران زدند. در جواب یادداشتهای دولتهای انگلیس و شوروی دولت ایران اظهار داشت که چون علاقه مند به حفظ بیطرفی خود میباشد از اخراج آلمانها از خاک ایران خودداری خواهد نمود وبدون توجه باهمیت موضوع اطمینان داد که از وجود آلمانها در خاک ایران هیچ خطری متوجه متفقین نخواهد گردید. ولی باتوجه باهمیت خاص استراتژیکی ایران متفقین در آخرین یادداشت

خود با اظهار تأسف از مقاومت دولت ایران اجبار خود را در اخذ تصمیمات یکجانبه در مورد نقض بیطرفی اعلام داشتند. ضمناً تأکید کردند که حفظ تمامیت ارضی و استقلال سیاسی ایران مورد ضمانت آنها هست. بدنبال این مذاکرات قشون متفقین در ۲۵ اوت ۱۹۴۱ میلادی مطابق با شهریور ماه ۱۳۱۹ هجری شمسی خاک ایران را اشغال کردند. قشون دولت شوروی از جهت شمال و قشون انگلیس از سمت جنوب غربی از طرف کشور عراق وارد مملکت گردیدند و پس از بمباران چند شهر مثل تبریز و قزوین و مشهد خود را بتهران رسانده با اشغال نظامی پایتخت دست زدند. دولت مرکزی که خود را در مقابل کار انجام شده ای دید با اقوای خود تسلیم گردید. بلافاصله بعد از این اشغال نظامی دولت ایران یادداشتهائی از دولت های بریتانیا و شوروی دریافت داشت که در آنها دولتین مزبور ضمن تضمین حفظ استقلال و تمامیت ارضی ایران تقاضای اجرای نکات زیر را نموده بودند (۱) :

- ۱- اخراج آلمانیها از خاک ایران در ظرف یک هفته
 - ۲- استقرار قشون ایران در چند نقطه معین شده
 - ۳- همکاری دولت ایران در فرستادن تجهیزات و مهمات جنگی بسرحدا ت روسیه بوسیله راههای آهن، شوسه و هوائی ایران
 - ۴- و بالاخره جلوگیری از ورود آلمانیها بخاک ایران در دوره جنگ.
- در مقابل متفقین اجرای سواد زیر را تعهد کردند :
- ۱- ادامه پرداخت حق الامتياز نفت توسط انگلیسها
 - ۲- همکاریهای اقتصادی توسط متفقین
 - ۳- تخلیه قشون متفقین از خاک ایران در اولین فرصتی که موقعیت مناسب نظامی بدست آید.

۱- A. H. Hamzavi, *Persia and the Powers*, 1941-46, London :
Hutchison and Co., Ltd. 1946. pp. 13-15; and
H. L. Hoskins, *The Middle East : Problem Area in World Politics*,
New York : The Macmillan Co., 1954, Chapter, 9, pp. 169 - 170.

تقاضاهای متفقین عموماً مورد قبول دولت ایران قرار گرفت جز اینکه دولت ایران ضمن یادداشتی تقاضای تخلیه شهر تهران را که بدون علت توسط قشون متفقین اشغال شده بود و تقاضای پرداخت غرامت برای خسارت‌های جانی و مالی که در جریان حمله بمردم وارد شده بود نمود. تقاضای اولی مورد قبول متفقین قرار گرفت ولی مسئله پرداخت غرامت قرار شد توسط دولت انگلستان مورد بررسی بیشتری قرار گیرد. در این هنگام دولت ایران عملاً بسه منطقه تقسیم شده بود. اول منطقه نفوذ روسها که شامل آذربایجان و استانهای ساحلی دریای خزر و خراسان بود. دوم منطقه نفوذ انگلیسها که شامل قسمتهای مرکزی و جنوبی مملکت بود و سوم منطقه آزاد که شامل شهرهای تهران و مشهد بود. ایران در چنین موقعیت سیاسی بسر میبرد تا اینکه در ۲ ژانویه سال ۱۹۴۲ میلادی مطابق با بهمن ۱۳۲۰ هجری شمسی معاهده اتحاد سه گانه Tripartite Treaty of Alliance با حضور نمایندگان شوروی - انگلیس و ایران بسته شد^(۱). در این معاهده ایران رسماً جزء متفقین شد و متعهد گردیدند همکاری نزدیک کند. متفقین هم در مقابل حفظ تمامیت ارضی و استقلال سیاسی ایران را ضمانت نموده قول دادند قشون خود را تا حد اکثر شش ماه بعد از اتمام مداخله بین نیروهای متفقین و دولت آلمان از ایران تخلیه نمایند. دولت انگلستان و شوروی هم جدا گانه متعهد شدند که بترمیم اقتصادیات از هم پاشیده ایران پرداخته و جبران خسارات ناشی از جنگ را بنمایند.

در همین اوقات کار اخراج آلمانها در حال اتمام بود و تا این تاریخ با استثنای چند نفر که در سفارتخانه انجام وظیفه مینمودند آلمانی دیگری در ایران وجود نداشت. در سال ۱۹۴۳ میلادی مطابق با ۱۳۲۱ هجری شمسی دولت ایران رسماً بدولت آلمان اعلان جنگ داد. اینجا بود که ایران فشار سنگین سیاست نیروهای بزرگ و موقعیت خطرناک و نامناسب خود را در دیپلماسی بین المللی بخوبی حس میکرد. در این موقع

۱- United Nations Security Council, *Official Records, Supplement*,
Mo. 1, First Year, First Series, pp. 43-46.

کشور ایران درحقیقت مانند عروسک خیمه شب بازی توسط سیاستمداران خارجی بجهت‌های مختلف کشانده میشد و این نقش مسوقی کاملاً علنی گردید که رهبران نیروهای متفقین مثل استالین-روزولت وچرچیل شهرت‌های رابعنوان یک محل مناسب برای کنفرانس خود انتخاب کردند بدون اینکه حتی جریان را با اطلاع مسئولین دولت ایران برسانند.

معهدنا خوشبختانه کنفرانس تهران که در سال ۱۹۴۳ با حضور سران سه دولت بزرگ تشکیل گردید^(۱) بدون نتیجه برای ایران نبود. امضاء کنندگان کنفرانس تهران با تأیید حفظ استقلال و تمامیت ارضی ایران قول کمکهای مالی و اقتصادی هم بایران دادند.

در سالهای جنگ خط آهن سراسری ایران از بندر شاهپور به بندر شاه و سایر راههای داخلی ایران از نظر تأمین ارتباط بین دولت شوروی و سایر نیروهای متفقین از راه خلیج فارس نقش حیاتی وارزنده‌ای بعهده داشت.

راهی که از بندر بوشهر به شیراز و اصفهان و تهران و بندر پهلوی متصل میشد و بنام Persian Corridor خوانده میشد یکی از پنج راهی بود که با استفاده از آن مقدار ۱۷/۵ میلیون تن مهمات و خوار و بار از کشورهای بریتانیا - هند - آفریقا بمقصد دولت روسیه شوروی حمل گردید. در اواخر سال ۱۹۴۲ م (۱۳۲۰ هجری شمسی) دولت آمریکا رسماً بیاری دولت انگلستان برخاسته و در فرستادن اسلحه و مهمات بدولت روسیه همت گماشت حجم مهمات و خوار و بار حمل شده از راه کریدور بسرحدات روسیه شوروی چند برابر گردید و در انتهای جنگ تقریباً یک چهارم مجموعه مهمات معموله بسرحدات روسیه از طریق Persian Corridor انجام میگرفت چون تنها راهی بود که از حملات هوایی قوای متحدین مصون بود^(۲).

۱- United Nations Security Council, *Official Records, Supplement*, No. 1, First Year, First Series, pp. 49-50.

۲- T. H. Motter, *United States Army in World War II, The Persian Corridor and Aid to Russia*, Washington D. C.: Department of The Army, 1952, pp. 4-11.

جنگ بین‌الملل دوم اثرات مخربی بر روی امور داخلی ایران گذاشت. تورم اسکناس و بالا رفتن سرسام‌آور قیمت اجناس و هزینه زندگی از نتایج مستقیم وجود قشون متفقین در ایران بود. وسایل حمل و نقل در انحصار متفقین قرار گرفته بود و در مبادلات خارجی اشکالات زیادی پدیدار گردید. از تأثیرات مهم جنگ نفوذ و دخالت متفقین در امور داخلی ایران بود که حتی تا بعد از اتمام جنگ هم ادامه داشت. انقلابهای آذربایجان و کردستان نتیجه مستقیم اشغال نظامی شمال و شمال غرب ایران توسط قشون روس بود. در نتیجه تحریکات کمونیستها بعد از پایان جنگ استان آذربایجان در سال ۱۹۴۵ میلادی مطابق با ۱۳۲۳ شمسی و کردستان در سال ۱۹۴۶ میلادی مطابق با ۱۳۲۴ هجری شمسی دو جمهوری انقلابی مستقل تشکیل دادند^(۱). خوشبختانه با کوشش قوای نظامی ایران دولت مرکزی موفق شد پس از یکسال و نیم نظم و آرامش را در نواحی مذکور برقرار کرده آنها را جزئی از کشور ایران بنماید ولی اثرات بد آن تا مدت‌ها در روحیه مردم ایران بجای ماند.

تجربیات تلخ زمان جنگ تا مدت‌ها ایران را بطرف دول غرب کشاند ولی موقعیت جغرافیائی ایران اجازه اتخاذ هیچ نوع سیاست یکطرفه را بدولت ایران نمیداد و بهمین علت در سال ۱۹۵۰ میلادی مطابق با ۱۳۳۳ هجری شمسی^(۲) موافقتی که ایران با امضای پیمان بغداد خود را برای مقابله با حملات بیگانگان تجهیز نمود عکس‌العمل دولت روسیه شوروی بسیار شدید بود و دولت مذکور با استفاده از بناد ماده ششم از عهدنامه مودت ۱۹۲۱ میلادی مطابق با ۱۲۹۹ هجری شمسی به بهانه اینکه دولت ایران حق همکاری با دولت اتازونی را در ساختن پایگاههای

۱ - Robert Rossow, Jr., « The Battle of Azerbaijan », *The Middle East Journal* (Winter, 1956), pp. 28 - 29 .

۲ - « Baghdad Pact », *The Middle East Journal*, IX (Spring, 1955), pp. 100-163 and pp. 177-178 and « Baghdad Pact Council », *The Middle East Journal*, VII (1956), pp. 28 - 29.

نظامی و هوائی در ایران ندارد قصد اشغال نظامی ایران را داشت. و باز هم بمنظور تطمیع دولت ایران در خارج شدن از تشکیلات سنتو بود که دولت شوروی در ژانویه سال ۱۹۵۹ میلادی مطابق با ۱۳۳۷ هجری شمسی اظهار تمایل به تجدید روابط حسنه بین دولتین کرده و در ماه فوریه همان سال یک هیئت جهت ازدیاد کمکهای فنی و عقد قرارداد پنجاه ساله غیر نظامی با ایران اعزام داشت. البته این قرارداد صورت عمل بخود نگرفت ولی در سالهای اخیر با اخذ سیاست بی طرفی مثبت - Positive Neutralism ایران هر گونه کمک فنی و مالی دو بلوک شرق و غرب تا آنجا که به جامعیت و شخصیت او لطمه ای وارد نکرده پذیرفته است و بهمین علت رابطه بین ایران و دولت شوروی که همسایه شمال ایران را تشکیل میدهد به مراتب بهبودی یافته و بخصوص در قسمت مبادلات بازرگانی و استفاده مشترک از آبهای سرحدی قراردادهای مفید و کاملی بین دو دولت بسته شده است.

خلاصه و نتیجه

کشور ایران با داشتن ۱۹۲ کیلومتر سرحد مشترک با دولت روسیه شوروی و مجاورت با آبهای گرم خلیج فارس همیشه دستخوش موقعیت جغرافیائی خود بوده و بسبب موقعیت سوق الجیشی خود کانون اصلی رقابت های سیاسی بین المللی را تشکیل میداده است.

در طی طول قرن نوزدهم کشور وسیع ایران در اثر مخالفت ها و مخاصمت های دول بزرگ روسیه و انگلیس بایکدیگر بسیاری از اراضی آباد و مسکون خود را از دست داده بوسعت و صورت کنونی درآمد. نیمه آخر قرن نوزدهم دوره رقابت های اقتصادی بین دول بود که در اخذ امتیاز و حقوق سیاسی و اقتصادی از دولت ایران بریکدیگر سبقت میجستند. ایران در این میان همیشه مجبور بود با برقراری تعادل بین این قوا تمامیت ارضی و استقلال خود را حفظ نماید. نکته جالب این بوده که این دونیرو تا آنجا که در عرصه سیاست بین المللی تنها و بی رقیب بودند از تجاوز بی حد یکدیگر در امور داخلی ایران جلوگیری میکردند اما بمحض اینکه های یک نیروی

سوم بهیمن می‌آید این دو دولت اختلافات خود را کنار گذاشته و بنای همکاری و معاضدت بایکدیگر می‌گذاشتند و این همکاری معمولاً با حفظ استقلال و تمامیت ارضی ایران تصادم پیدا میکرد و در نتیجه بضرر ایران تمام میشد. چنین وضعی چند بار در قرن فعلی روی داد. ازدیاد روز بروز نیروی دولت آلمان و این که دولت ایران روابط سیاسی و تجارتنی نزدیکی با دولت مذکور برقرار ساخته بود دولتین روسیه و انگلیس را یوحشت انداخته باعث شد که قوای متفقین به اعلان بی‌طرفی ایران در جنگ‌ها توجه‌ای ننموده و باشغال نظامی ایران دست بزنند. مسلماً نباید فراموش شود که موقعیت سوق الجیشی ایران در مجاورت روسیه بود که متفقین را وادار باتخاذ چنین تصمیمی نمود.

از خاتمه جنگ بین‌الملل دوم سه بعد تغییرات سهمی در دسته بندی‌های سیاسی دنیا بوجود آمده. رقابت‌های سیاسی سابق بین دولت‌های روسیه و انگلیس جای خود را بر رقابت‌های ایدئولوژیکی بین دو بلوک شرق و غرب داده است بدین معنی که دولت آمریکا هم وارد میدان شده و نقش بسیار سهمی در تشکیل نیروی غرب بعهد گرفته است. باوجود همه این تغییرات معیناً ایران هنوز اهمیت موقعیت جغرافیائی خود را حفظ کرده و باید در اتخاذ سیاست خارجی خود با دول همسایه و غیرهمسایه همیشه این موقعیت خاص را در نظر داشته باشد.

تاریخ نشان داده که ایجاد تعادل بین نیروهای خارجی همیشه بنفع حفظ استقلال و تمامیت ارضی ایران بوده و در وضع فعلی هم اتخاذ سیاست بی‌طرفی مثبت بنفع و صلاح حکومت ایران میباشد.

پایان